



انجمن علمی فقه‌بزرای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌بزرای تطبیقی

## Criminal Policy Regarding Crimes against the Moral Dignity of Individuals in Cyber Space in the Light of Judicial Procedure

Habibullah Mohammadifard<sup>1</sup>, Seyed Hossein Hashemi\*<sup>2</sup>, Shahrdad Darabi<sup>3</sup>

1. PhD Student of Criminal Law and Criminology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

2. Associate Professor, Mofid University, Qom, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Type of Article:**

**Original Research**

**Pages: 155-166**

**Corresponding Author's Info**

**ORCID:** 0009-0009-1012-6444

**TELL:** +989125256460

**Email:** shhashmi@gmail.com

**Article history:**

**Received:** 26 Sep 2023

**Revised:** 22 Nov 2023

**Accepted:** 29 Nov 2023

**Published online:** 22 Dec 2023

**Keywords:**

*Cyberspace, Criminal Policy, Spiritual Dignity, Judicial Procedure.*

### ABSTRACT

Crimes against the moral dignity of individuals in cyber space is one of the crimes that has become more widespread with the increasing growth of the Internet and its use. This has made the examination of criminal policy in this regard a necessity. The purpose of this article is to firstly identify the fundamentals and principles governing judicial criminal policy in crimes against moral dignity in cyberspace and on the other hand, to examine the challenges that exist in this criminal policy. The current article is descriptive and analytical and has investigated the mentioned subject by using the library method. The findings indicate that the judicial system of the country has been in the direction of absolute justice in its criminal policy, especially in the crimes against spiritual dignity in cyberspace, without considering utilitarianism in the application of punishments. The extent of committing crimes, the lack of transparency in the laws, the lack of coordination between legislative and judicial and executive criminal policy, have caused confusion in adopting a proportionate criminal policy. At the same time, the failure to adopt a discriminatory criminal policy and appropriate punishment based on the existing realities in the cybercrime environment has caused the lack of a single judicial procedure and also the division of votes, which has resulted in the delay of the proceedings and also the lack of Rights of the victims of crimes against moral dignity will be followed.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

**How to Cite This Article:** Mohammadifard, H; Hashemi, SH & Darabi, SH (2023). "Criminal Policy Regarding Crimes against the Moral Dignity of Individuals in Cyber Space in the Light of Judicial Procedure". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(4): 155-166.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

# فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲

## سیاست جنایی در خصوص جرایم علیه حیثیت معنوی اشخاص در فضای مجازی در پرتو رویه قضایی

حبیب‌الله محمدی فرد<sup>۱</sup>، سیدحسین هاشمی\*<sup>۲</sup>، شهرداد دارابی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. دانشیار، دانشگاه مفید، قم، ایران. (نویسنده مسؤؤل)

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

### چکیده

جرایم علیه حیثیت معنوی اشخاص در فضای مجازی یکی از جرایمی است که با رشد فزاینده اینترنت و استفاده از آن، بیش از پیش گسترش یافته است. همین امر بررسی سیاست جنایی در این خصوص را به یک ضرورت مبدل ساخته است. هدف مقاله حاضر این است که ابتدا مبانی و اصول حاکم بر سیاست جنایی قضایی در جرایم علیه حیثیت معنوی در فضای مجازی شناخته شود و از طرف دیگر چالش‌هایی که در این سیاست جنایی وجود دارد، مورد بررسی قرار بگیرد. مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که دستگاه قضایی کشور در سیاست جنایی خود به‌خصوص در جرایم علیه حیثیت معنوی در فضای مجازی درجهت عدالت مطلق بدون توجه به فایده‌گرایی در اعمال مجازات‌ها بوده است. گستردگی ارتکاب جرایم، عدم شفافیت در قوانین، عدم هماهنگی بین سیاست جنایی تقنینی و قضایی و اجرایی، سرگردانی در اتخاذ یک سیاست جنایی متناسب را سبب شده است. در همین حال، عدم اتخاذ سیاست جنایی افتراقی و کیفرگزینی متناسب بر مبنای واقعیت‌های موجود در فضای حاکم بر جرایم سایبری، موجب عدم رویه قضایی واحد و همچنین تشدید آرا را موجب شده که به تبع آن باعث اطاله دادرسی و همچنین عدم احقاق حقوق بزه‌دیدگان جرایم علیه حیثیت معنوی را به دنبال خواهد داشت.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۵۵-۱۶۶

اطلاعات نویسنده مسؤؤل

کد ارکید: ۶۴۴۴-۱۰۱۲-۹۰۰۹-۰۰۰۹

تلفن: +۹۸۹۱۲۵۲۵۶۴۶۰

ایمیل: shhashmi@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

فضای مجازی، سیاست جنایی، حیثیت معنوی، رویه قضایی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

## مقدمه

اشخاص در فضای مجازی در پرتو رویه قضایی بررسی می‌شود.

### ۱- مبانی سیاست جنایی جرایم علیه حیثیت معنوی اشخاص در فضای مجازی

مسلماً ایجاد نظم و تأمین امنیت (عمید زنجانی، ۱۳۸۳: ۵۷۰)<sup>۱</sup> از مهم‌ترین وظایف دستگاه قضایی است، امنیت در بعد روانی و حتی جسمانی در بیشتر جرایم علیه حیثیت معنوی قابل تحقق است، از سوی دیگر یکی از مؤلفه‌های اصلی در مبانی سیاست جنایی در جرایم علیه حیثیت معنوی استنباط این نهاد از آزادی و رفع تزامم آن با امنیت است.

به‌عنوان یک فرضیه در ابتدای این مبحث می‌توان گفت که سیاست جنایی در جرایم مذکور در تطبیق با مکاتب حقوق کیفری، منطبق با اصول مکتب کلاسیک است، چرایی جرم‌انگاری و اهمیت توجه به اهداف آن، توجه به فایده وضع قانون و عدم تعارض با اخلاق حسنه و مهم‌تر از همه در نظرگرفتن نفع جامعه، از جمله مهم‌ترین اصول جرم‌انگاری مکتب کلاسیک به‌ویژه در جرایم علیه حیثیت معنوی به‌شمار می‌رود.

نظام تقنینی و قضایی ایران براساس دیدگاه‌های فقه سنتی و نظام‌های کیفری مدرن که در سال‌های بعد از انقلاب داشته است، در اثر عوامل مختلف مانند پیامدهای منفی عدم توجه به قوانین روزآمد و مسائل مستحدثه و تلاش فقها و حقوق‌دانان، نظام‌های کیفری جدید مورد پذیرش نظام قانون‌گذاری و قضایی کشور واقع شد (رهامی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۳). به همین دلیل است که در هنگام تحلیل از مبانی سیاست جنایی کشور از جرایم علیه حیثیت معنوی لازم است به دو منشأ مهم توجه شود: اول سیاست جنایی اسلام در برخورد با جرایم علیه حیثیت معنوی و دیگری نظام‌های مدرن حقوق کیفری و اصول مترقی سیاست جنایی برگرفته از علوم کیفری و جرم‌شناسی.

جرایم علیه حیثیت معنوی در فضای مجازی، روزانه در حال افزایش است و ممکن است با سرعت بیشتری ادامه یابد، سرکوب جرم در مواردی و از سوی دیگر اهمال و ترک تعقیب و مصلحت‌اندیشی در برخی موارد، منجر به افراط و تفریط در این حوزه از سوی دستگاه قضایی شده است. جرایم علیه حیثیت معنوی در فضای مجازی به‌عنوان یکی از جرایم پرتکرار و زیان‌بار که عموماً امکان جبران زیان وارده به اشخاص به‌طور کامل میسر نمی‌باشد، نیازمند بررسی سیاست جنایی در این خصوص است. تدوین یک سیاست جنایی متناسب با نوع جرایم علیه حیثیت معنوی در فضای مجازی که منطبق با قواعد و اصول حقوق کیفری حاکم بر نظام حقوقی ایران باشد، نیاز به بررسی ویژه و استفاده از نظر متخصصان علوم جنایی و کارشناسان فضای سایبر را دارد و این سیاست جنایی می‌بایست کارآمدی لازم را در مبارزه و پیشگیری از جرم داشته باشد. با گسترش فضای مجازی و بهره‌برداری افراد از رایانه و اینترنت و امکان وقوع جرم از طریق فناوری اطلاعات، تدوین سیاست جنایی کارآمد درخصوص جرایم سایبری از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. چالش‌های فضای مجازی مانند گستره و سرعت انتشار آن، حیثیت معنوی اشخاص را بیش از جرایم در فضای حقیقی دغدغه‌مند و دچار آسیب می‌نماید و آن‌طور که می‌توان در فضای حقیقی، اعاده حیثیت نموده و خسارت معنوی وارده به اشخاص را جبران نمود، در فضای مجازی چنین امکانی وجود ندارد (شهرآبادی، ۱۳۹۹: ۱). بنابراین باید توجه داشت که رسالت رویه قضایی درخصوص جرایم علیه شخصیت معنوی هم در بعد پیشگیری و هم در بعد جبران زیان و پاسخ‌دهی به آن می‌تواند متفاوت باشد. هدف مقاله حاضر بررسی سیاست جنایی جرایم علیه حیثیت معنوی اشخاص در فضای مجازی در پرتو رویه قضایی است. سؤال مقاله بدین‌شکل قابل طرح است که مبانی و چالش‌های سیاست جنایی جرایم علیه حیثیت معنوی اشخاص در فضای مجازی در پرتو رویه قضایی چیست؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا، مبانی و سپس چالش‌های سیاست جنایی جرایم علیه حیثیت معنوی

<sup>۱</sup> امنیت را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و در مورد افراد به معنی آن است که مورد هراس و بی‌می نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته و به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید ننماید.»

## ۱-۱- نفی ضرر

هر آنچه به ضرر امنیت روانی جامعه و افراد باشد، حیثیت معنوی را خدشه‌دار می‌سازد. قاعده لاضرر در اسلام به‌عنوان مبنای مهم این اصل در نظر گرفته شده است. ضرر ممکن است جنبه شخصی یا اجتماعی داشته باشد و نیز ممکن است جنبه مادی یا معنوی در آن دیده شود (صادقی تورانسرای، ۱۳۹۵: ۸۵). اصل ضرر به‌عنوان مرز میان آزادی‌های فردی و حقوق اجتماعی قرار دارد (صادقی تورانسرای، ۱۳۹۵: ۹۷). وجه ممیزه جرم‌بودن یا نبودن یک فعل مبتنی بر اصل ضرر است که البته با در نظر گرفتن معیار دیگری به نام آزادی قابل تعیین است که خود می‌تواند موضوع پیچیده‌ای در هر دعوی کیفری به‌شمار آید. دستگاه قضایی به‌عنوان نهادی حاکمیتی و نظارتی و بعضاً مفسر قانون می‌تواند با استنباط صحیح از زبان وارده به اجتماع و حاکمیت، جرایم علیه حیثیت معنوی را تفسیر نموده و محاکم را در صدور آرای متناسب یاری نماید.

## ۱-۲- اصل مصلحت‌اندیشی

جرایم علیه حیثیت معنوی یکی از مهم‌ترین زمینه‌های صدور آرای مصلحت‌اندیشانه در کشور ما می‌باشد، چراکه موضوع تقابل آزادی و حیثیت افراد مطرح است. آزادی بیان تعریف مشخصی ندارد و از سوی دیگر حیثیت معنوی اشخاص نیز به‌گونه دیگری باید مورد حمایت قرار بگیرد؛ این دو معیار به‌ظاهر متعارض موجب می‌شود که صدور آرا به‌شکل مصلحت‌اندیشانه باشد و نه صرفاً مبتنی بر قانون.

در اسلام از پنج اصل نام برده شده است که به مصالح خمس معروف است و به این قرار است: حفظ دین، حفظ نفوس، حفظ عقول، حفظ نسل، حفظ اموال. هر آنچه متضمن حفظ این اصول باشد مصلحت است و هر آنچه به تضعیف آن‌ها منجر شود، مفسده تلقی می‌گردد (صادقی تورانسرای، ۱۳۹۵: ۷۷).

مصلحت عمومی، به معنی تجمیع منافع افراد مختلف نیست. اختلافی که در نظام اسلامی پیرامون مصلحت‌گرایی و مصلحت عمومی وجود دارد، درخصوص مرجع تعیین مصلحت است که می‌تواند ناشی از اندیشه‌های مرتبط با منشأ حاکمیت و مشروعیت حاکمیت در تعیین مصلحت باشد.

این مفهوم «درنهایت سرپوش زیرکانه‌ای برای پنهان کردن صورت واقعی تصمیماتی است که سیاستمداران و مقام‌های دولتی برای کسب بیشترین منافع شخصی اتخاذ می‌کنند» (یزدیان جعفری، ۱۳۹۴: ۸۱-۵۹). اصل مصلحت‌اندیشی همگام با اصل نفی ضرر است.

در رویه قضایی کشور این موضوع کاملاً مشهود است که رویه ثابتی در اعمال مصالح مختلف سیاسی و اجتماعی وجود ندارد، به همین سبب در این بخش به بعضی از مصالح و رویکردهای دستگاه قضایی در برخورد با این جرایم اشاره می‌شود.

در یکی از آرای صادره درخصوص تعیین صلاحیت محاکم در مورد جرایم علیه حیثیت معنوی افراد در فضای مجازی به نظر می‌رسد که توجه به مصالح اجتماعی و جلوگیری از امنیت‌گرایی افراطی و اموری از این قبیل منجر به تلقی جرایم علیه حیثیت معنوی تنها به‌عنوان یک جرم عادی و نه سیاسی باشد، البته به عقیده نگارندگان «اگر دادگاه جرم را سیاسی تلقی می‌کرد به نفع متهم بود، چون اساساً جرم سیاسی بودن برای رعایت نفع و مصلحت متهم است، لذا سیاسی اعلام کردن یک جرم امنیت‌گرایی افراطی تلقی نمی‌شود! در رأی زیر هم علت این که جرم مذکور سیاسی تلقی نشده، نه به‌دلیل پرهیز از افراط‌گرایی، بلکه به صراحت موجود در رأی، صرفاً به‌دلیل عدم تعریف جرم سیاسی توسط قانون‌گذار بوده و این در حالی است که جرم سیاسی در سال ۱۳۹۵ تعریف شده است.»<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> در این رأی این‌گونه اظهار نظر شده است که: «شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی جزایی «الف» طی دادنامه شماره ۱۰۲۳-۱۰۶-۱۳۹۱/۱۰۶-۱۳۹۱ درخصوص اتهام آقای م.الف. دایر بر توهین به مقامات ارشد نظام از طریق انتشار مطالب در فضای مجازی اینترنت باتوجه به نوع اتهام (سیاسی) مستنداً به تبصره ۱ ماده ۲۰ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب قرار عدم صلاحیت خود را به شایستگی دادگاه کیفری استان «الف» صادر و اعلام نموده است. دادگاه کیفری استان «الف» به‌موجب تصمیم مورخه ۱۳۹۱/۱۰/۱۹ باتوجه به این که قانون از جرم سیاسی تعریف ارائه نکرده و در قرار مجرمیت و کیفرخواست اشاره‌ای به قصد متهم نشده و صرفاً عمل وی توهین به مقامات تلقی گردیده که منطبق است با ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی...، لذا با استناد به ماده ۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری قرار عدم صلاحیت خود را به شایستگی دادگاه عمومی جزایی (شعبه ۱۰۱) «الف» صادر و اعلام نموده است.» رأی شعبه دیوان عالی کشور نیز در تأیید این نظر آمده است و درنهایت به‌نظر می‌رسد که رویه قضایی با نوعی مصلحت‌اندیشی و البته توجه به اصولی چون تفسیر به نفع متهم در جرایم مذکور عمل نموده است.

## ۱-۲-۱- مصالح سیاسی

محاکم سعی کرده‌اند باتوجه به ابهاماتی که در تعریف جرم سیاسی و تعیین مصادیق آن وجود دارد، تا حد امکان از تطبیق جرایم ارتكابی با جرایم سیاسی خودداری نماید. رویکرد و گفتمان سیاست جنایی قضایی کشور بر حداقل‌سازی در این جرایم متکی است. همان‌گونه که در رأی پیش‌گفته اشاره شد.

در دادنامه قطعی شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۸۸۰۰۸۵۱ به تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۰۵ مرجع قضایی صالح به رسیدگی به جرم توهین به مقامات، منحصراً در صلاحیت دادگاه انقلاب نیست و رسیدگی به توهین به مقامات ارشد نظام از طریق انتشار مطالب در فضای مجازی، در صلاحیت دادگاه عمومی جزایی قرار داده شده است نه دادگاه کیفری مرکز استان.

گفتمان دستگاه قضایی کشور بر این مبنا استوار است که تا حد ممکن بر مبنای مصلحت‌های اجتماعی و سیاسی اقدام نموده و از سیاسی‌کاری در رسیدگی‌های قضایی بکاهد، در پرونده مطروحه فوق، دستگاه قضایی با رعایت مصلحت‌اندیشی سعی کرده است جرم مذکور را عمومی و عادی تلقی نماید، به‌جای این‌که با سرکوبگری، موجب اخلال بیشتر در امنیت گردد.

## ۱-۲-۲- مصالح اجتماعی

اگر مصالح اجتماعی در برخورد با جرایم علیه حیثیت معنوی در نظر گرفته نشود، ممکن است همین اجتماع به دلیل نقض ارزش‌های خود دست به مقابله با حاکمیت بزند. بر مبنای مصالح اجتماعی که عموماً در جوامع غربی ایجاد شده است، حمایت از فرد باید از طریق حمایت از جامعه‌ای صورت بگیرد که او در آن زندگی می‌کند، رویکردی که با عنوان اصالت توأمان فرد و جامعه، در تفکر اسلامی سابقه‌ای طولانی دارد. در سال‌های گذشته، تحولات امنیتی - اجتماعی موجب شده که مصالح اجتماعی نیز تغییر یابد، گسترش ابزارهای ارتباطی و توسعه تفکرات مرتبط با آزادی بیان سبب شده است که مراجع قضایی از شیوه‌ها و سیاست‌هایی مبتنی بر گسترش آزادی همگام با حفظ مشروعیت حاکمیتی و امثال آن بهره گیرند.

باتوجه به مبانی و اصول قضاوت عادلانه، در دادرسی‌ها که از جمله مرتبط با حقوق بشر است، باید توجه داشت که مصلحت‌اندیشی در سیاست جنایی قضایی کشور گاهی به‌عنوان یک آفت برای دستگاه قضایی در نظر گرفته شده است، گرچه مصلحت‌اندیشی یا استصلاح به‌عنوان ابزاری کارآمد در سیاست جنایی دیوان عالی کشور در جرایم مطرح شده است. در پرونده شماره ۸۷۰۹۹۸۰۰۰۲۰۵۳۸۹/۳۱ دادستان کل کشور درخصوص تردید در مصلحت‌اندیشی این‌گونه استدلال می‌کند: باز هم صحبت از مصلحت و تعامل و استصلاح است که صدالبته در فقه اثنی‌عشری، راه نداشته است، گو این‌که شیخ مرتضی انصاری و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، مروج و احیاکننده چنین قاعده‌ای بوده‌اند و در نهایت دیوان اظهار نظر کرده است که اولاً این‌همه توجیه و مصلحت‌تراشی و ارائه به ظاهر استدلال‌هایی، چرا هنگام صدور رأی وحدت رویه شماره ۷۰۳ مورخ ۱۳۸۶/۰۵/۰۹ مفقود، ولی اکنون بنا به مصالحی آنچنانی، موجود شده‌اند؟ ثانیاً آیا در جمیع موارد، چنین مصلحت‌اندیشی‌هایی، علی‌الطلاق ارزشمند (موارد مثبت) خواهد بود؟ آیا ممکن نیست که از رهگذر چنین فرآیندی، در آینده شاهد نقض حقوق شهروندی (موارد منفی) باشیم؟ علاوه بر آنکه رأی وحدت رویه شماره ۷۱۵ - ۱۳۸۹/۰۱/۲۴، نوعی استثنا بر استثنای دیگر است، گویا «استصلاح» نیز در فقه پویای امامیه، منشأ اثر شده است و نتیجتاً مباحث مربوط به این قاعده، در جمیع کتب اصول فقه (مبانی استنباط حقوق اسلامی) که اکنون در دانشکده‌های حقوق ایران تدریس می‌شود، به حذف و بازبینی، نیاز دارند، والا نباید بخشنامه‌های شماره ۱۱۱۳۶۹/۲۱ - ۲/۲۰۱۸۱۸/۱ و ۲۸۱۴/۷۷/۱ - ۱۳۷۷/۰۳/۲۷ روسای قوه قضاییه (راجع به مصلحت‌اندیشی در اجرای احکام کیفری) و اصل ۱۶۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مصلحت جامعه و تأثیر آن بر تغییر محل شغل قاضی) و اصل ۱۱۲ همان قانون (مجمع تشخیص مصلحت نظام) و رأی وحدت رویه شماره ۷۱۵ - ۱۳۸۹/۰۱/۲۴ و ... وارد حقوق نوشته کنونی ایران می‌شدند و با حیات حقوقی و قوت اجرا می‌یافتند.

در دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۴۰۱۱۰۸ مورخه ۱۳۹۲/۰۸/۱۹ که درخصوص قراردادن تصویر بدون حجاب

مشابه چنین استنباط می‌شود تسلط و حکومتی که خداوند نسبت به مجرم به اجتماع داده است، همیشگی نیست و می‌تواند با توبه و تنبیه مجرم برداشته شود (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۷۲).

عدالت‌محوری ممکن است براساس دیدگاه عدالت مطلق باشد یا عدالت ترمیمی، باید دید سیاست جنایی دستگاه قضایی کشور در جرایم علیه حیثیت معنوی، مبتنی بر کدام یک از این رویکردها بوده است.

در پرونده کلاسه ۹۷۰۹۹۸۶۶۲۳۱۰۰۳۵۹ شعبه یک دادگاه کیفری دو شهرستان «الف» درخصوص اتهامات: نشر اکاذیب، افتراء، توهین به اشخاص عادی، دادگاه به‌گونه‌ای رأی صادر کرده است که مبین نوعی میان‌روی بین عدالت قضایی و حفظ اخلاق در جامعه بوده است و سعی شده است حقوق اخلاقی و معنوی شاکی تحت تأثیر ظواهر قانون قرار نگیرد.<sup>۲</sup> همان‌گونه که مشخص است، در این رأی چندان سختگیری در قالب نص قانون صورت نگرفته و دادگاه به‌گونه‌ای اخلاق را محور صدور رأی قرار داده است. این که می‌گوییم اخلاق را محور قرار داده است، به این دلیل است که نص صریح قانون در اغلب موارد رعایت نشده و در نتیجه به نفع متهم و بر مبنای اخلاق‌محوری صورت پذیرفته است و نه قانون‌محوری صرف، چون هدف از شکایت نماینده مجلس، باتوجه به موقعیت ایشان تسری این جرم به‌عنوان یک جرم سیاسی هم بوده است که قضای توجهمی به آن نکرده است.

### ۱-۳-۱- نفی عدالت مطلق

مکتب عدالت مطلق اعتقاد دارد هدف از مجازات نباید تأمین فایده اجتماعی باشد، هدف نهایی و غرض اصلی از مجازات (اعاده نظم اخلاقی) و برقراری عدالت در جامعه است.

در شبکه اجتماعی مجازی است، عنوان شده است که: «صرف قراردادن تصویر بدون حجاب در شبکه اجتماعی مجازی (از جمله فیس‌بوک) به‌معنای انتشار تصاویر مبتذل نیست.» مستندات این رأی مبتنی بر ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای ۱۳۸۸ و ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ است.<sup>۱</sup> رأی دادگاه تجدید نظر استان نیز رأی مذکور را تأیید نموده است و به‌نظر می‌رسد که دستگاه قضایی در این مورد نیز بنابر مصالحی اقدام کرده و در جهت جلوگیری از توسعه جرم و نیز رعایت اصول حقوق کیفری گام برداشته است، البته این که تا چه اندازه می‌توان این موارد را مصلحت‌گرایی یا رعایت اصول حقوق کیفری دانست، موضوعی است که در قیاس با اصول حقوق کیفری و قوانین مصوب می‌بایست بررسی گردد.

### ۱-۳-۱- اصل عدالت‌محوری

ویژگی خاص جرایم علیه حیثیت معنوی موجب شده است که انتظار از دستگاه قضایی برای حفظ تعادل بین آزادی فردی و اجتماعی با حقوق دیگران به‌گونه‌ای باشد که مبنای عدالت را در خود جای دهد.

اگر هدف غایی مجازات را سودمندبودن آن بدانیم، وظیفه قانون‌گذاران این است که میزان سودمندی آن را بسنجند و در نتیجه نسبت به وضع آن اقدام نمایند (محمودی جانکی، ۱۳۷۶: ۲۲)، البته عدالت مطلق در سیاست جنایی دستگاه قضایی کشور جایگاهی ندارد.

آیه ۲۵ سوره حدید از بارزترین آیاتی است که هدف از بعثت پیامبران را برقراری عدالت می‌داند. از این آیه و دیگر آیات

<sup>۱</sup> - رأی دادگاه بدوی به این صورت صادر شده است: «به‌موجب کیفرخواست ... ف.د. فرزند ح. ۳۰ ساله، متأهل و مسلمان و فاقد سابقه کیفری و با وکالت الف.م. متهم است به انتشار تصاویر خلاف اخلاق و عفت عمومی (در فضای مجازی) موضوع شکایت ع.ع. (همسر متهمه) با وکالت ق.ر. و با وکالت در توکیلی الف.غ؛ دادگاه با عنایت به محتویات پرونده و صرف نظر از اختلافات فی‌مابین زوجین (شاکی و متهم) و دفاعیات متهم و وکیل وی مبنی بر این که صفحه فیس‌بوک متهم توسط شاکی ساخته شده است و عکس وی را نیز شاکی در فیس‌بوک قرار داده است، اما پس از به‌وجود آمدن اختلافات اقدام به شکایت کرده است که باتوجه به انکار شاکی این امر محرز نیست، اما نظر به مفهوم ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای و ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و معنای انتشار، صرف قراردادن تصویر بدون حجاب در صفحه فیس‌بوک جهت معرفی خود، اگرچه نفس عمل مذموم و مورد تقبیح است، اما فاقد وصف انتشار است و لذا به‌جهت عدم احراز عنصر مادی به استناد ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری رأی بر براءت نامبرده از بزه مذکور صادر و اعلام می‌گردد.»

<sup>۲</sup> - در این رأی آمده است: «درخصوص اتهام آقای م.ک. دایر بر توهین در فضای مجازی به‌سبب شغل و وظیفه نمایندگی مجلس شورای اسلامی... وکیل شاکی اشعار داشته که موکلم نماینده مجلس بوده و متهم با ارسال مطالب توهین‌آمیز در فضای مجازی ایشان را مخاطب قرار داده... متهم در دفاعیات خود ارسال پیام‌ها را از جانب خود قبول کرده است، ولی انتساب آن‌ها را به شاکی قبول نکرده و معتقد است که موضوع به‌شکل کنایه بوده است. با ملاحظه مدارک ارائه‌شده و پیام‌ها و اسکرین‌شات‌های گرفته‌شده و تطبیق پیام‌های ارسالی صراحتاً توهین‌آمیز بوده، چراکه توهین با استفساریه مجلس عبارت است از هرگونه الفاظی که صریح یا ظاهر باشد. انتساب بزه به متهم را مسلم می‌دانند...»

رسد باید این‌گونه آرای کیفری به‌سبب صدمه و آسیب جدی که به حیثیت معنوی افراد وارد می‌نمایند، مورد توجه بیشتری قرار گیرد و مجازات‌های متناسب‌تری در حوزه عدالت ترمیمی در رابطه با این جرایم در نظر گرفته شود.

#### ۱-۴- اصل ضرورت

اصل مهم دیگر در سیاست جنایی قضایی کشور در جرایم علیه حیثیت معنوی عبارت است از: ضرورت در ابعاد مختلف آنکه مرتبط با امنیت فردی، اجتماعی و ملی است.

اصل ضرورت به این معنی است که «نباید جرم‌انگاری کرد، مگر این‌که دخالت ضرورت داشته باشد و در ثانی این دخالت براساس مبانی و اصول بوده و مؤثر باشد» (Jareborg, 2004: 521-524).

ضرورت و نیاز به جرم‌انگاری، دارای مصادیقی از حقوق افراد و اجتماع است، درواقع این حقوق افراد است که می‌تواند ضرورت را مشخص نماید، هرچند این مفهوم بسیار شبیه به اصل ضرر می‌باشد، چراکه هر دو تأکید بر محدودیت در جرم‌انگاری دارند، ولی اصل ضرورت تأکید اصلی بر این موضوع می‌نماید که برای جبران زیان و ایجاد امنیت، نباید هیچ راهی غیر از تعیین مجازات و پاسخ کیفری وجود داشته باشد. ضرورت در ابعاد مختلف قابل بررسی است:

#### ۱-۴-۱- ضرورت حفظ امنیت روانی جامعه

دو کار ویژه مربوط به دولت‌های امروزی است که عبارت‌اند از: ایجاد نظم به‌معنای وسیع کلمه در داخل و حفظ تمامیت کشور و جامعه در مقابل تهدیدهای خارجی یا قدرت‌های دیگر (آخشیجیان، ۱۳۹۴: ۱۵۱). آسایش روانی و عدم وجود تهدید درخصوص حیثیت معنوی افراد می‌تواند مهم‌ترین مؤلفه در استنباط مربوط به امنیت روانی باشد.

درخصوص جرایم این حوزه آرای صادر شده است که نشانگر سیاست جنایی قضایی مبتنی بر حفظ ضرورت امنیت فردی و روانی در ارتباط با امنیت اجتماعی است. به‌عنوان نمونه در رأی صادره در رابطه با اتهام دسترسی غیرمجاز به داده‌های رایانه‌ای به شماره: ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۳۸۰۱۴۵۲، ۱۳۹۱/۱۰/۳۰ که به این صورت صادر شده است: «دسترسی غیرمجاز به ایمیل

این تفکر که عموماً از تفکرات افلاطون نشأت گرفته شده است، به‌دنبال درمان گناهکاران و بهبود اوضاع آنان است (صادقی تورانسرای، ۱۳۹۵: ۴۰). دستگاه قضایی کشور در سیاست جنایی خود دیده نشده است که در سال‌های اخیر با این رویکرد اقدام به صدور آرای کیفری نماید یا ایجاد رویه‌ای نماید.

یکی از نویسندگان معتقد است که: «در نظام‌های دینی اصولاً حقوق اساسی بشر به‌ویژه آزادی و برابری مورد حمایت قرار گرفته است، ولی درصورت تعرض به این حقوق، تعلیمات دینی مقدم بر حقوق اساسی است» (دلماش مارتی، ۱۳۹۳: ۷۷). با این وجود اگر سیاست جنایی تقنینی اجازه می‌داد، دستگاه قضایی به‌طور کامل از این اندیشه فاصله می‌گرفت و به‌گفتمان سودمندی مجازات در جرایم علیه حیثیت معنوی با اعمال جهات مخففه و جایگزین‌های حبس اقدام می‌کرد.

#### ۱-۳-۲- عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی فرآیندی است که تا حد ممکن آنانی را که در جرم خاصی نقش داشته‌اند و نیز ضررها، نیازها و الزامات بزه‌دیدگان را برای درمان و جبران آن‌ها دربر می‌گیرد (رزمجو، ۱۳۹۳: ۵۳). جبران زیان وارده به بزه‌دیده در آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور به‌شکل بارزی نمود یافته است. آرای وحدت رویه شماره ۶۰۶ دیوان عالی کشور در رابطه با دعوی مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم، رأی وحدت رویه شماره ۵۸۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مورد لزوم تقدیم دادخواست جهت مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم، رأی وحدت رویه شماره ۷۷۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور که با موضوع «نحوه مطالبه خسارت حق‌الوکاله توسط ادارات دولتی در مواردی که محکوم‌له واقع می‌شوند» صادر شده است و آرای دیگری که نشان از سیاست جنایی مبتنی بر جبران زیان و عدالت ترمیمی در سیاست جنایی قضایی کشور دارد که می‌توان به جرایم علیه حیثیت معنوی در فضای مجازی نیز تسری داد.

در پرونده کلاسه ۹۷۰۹۹۸۶۶۲۲۸۰۰۴۶۴ دادگاه کیفری دو شهرستان «الف» شعبه ۱۰۱ به‌نوعی از عدالت ترمیمی با مجازات عذرخواهی در جرایم اشاره شده است که به‌نظر می

جرائم مذکور در این گونه آرای قضایی بر مبنای تشویش اذهان عمومی دارای جنبه امنیتی داخلی و خارجی هستند، هر چند که نشر اکاذیب در خصوص یک شخص به طور مشخص می‌تواند دارای ویژگی مربوط به جرائم علیه حیثیت معنوی باشد، ولی به نظر می‌رسد که این جرائم بسته به عنصر مادی و ابزاری که در آن استفاده شده است، بتواند امنیت داخلی و سیاسی را علاوه بر امنیت فردی خدشه دار کند.

## ۲- چالش‌های سیاست جنایی جرائم علیه حیثیت معنوی در فضای مجازی در رویه قضایی

فضای سایبر، مرزهای فیزیکی را برداشته و مجرمان هم‌زمان با توسعه «شاهراه‌های اطلاعاتی» به عنوان کاربران شبکه‌های

مدیرمسئول سایت، مشارالیه می‌بایستی تمامی مطلب منتشره در سایت را قبل از این که منتشر شود، بازبینی و بررسی نمایند و از طرفی مطالب بیان شده اقدامات سراسر کذب و خلاف واقع به دستگاه قضایی نسبت داده شده و متهم نیز نتوانستند صحت مطالب را به اثبات برسانند و دفاع نام‌برده مبنی بر عدم سوءنیت و این که بلافاصله پس از اطلاع خبر را حذف نموده نیز دلیل مورد پذیرش دادگاه در عدم سوءنیت مشارالیه نیست، چراکه با توجه به خاصیت دیجیتال و رقمی سایت‌های الکترونیکی و انتشار آنی مطالب و این که به محض قرار گرفتن مطلب در سایت الکترونیکی قابل دسترسی برای تمامی کاربران می‌باشد. تحقیقات صورت گرفته توسط بازپرس محترم که همگی برای دادگاه حصول علم به بزهکاری متهم می‌گردد، بزهکاری مشارالیه را محرز دانسته، مستنداً به ماده ۱۸ قانون جرائم رایانه‌ای و با لحاظ بند ۵ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی به لحاظ فقدان سابقه کیفری متهم حکم بر محکومیت نام‌برده به پرداخت مبلغ چهار میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت صادر و اعلام می‌دارد. رأی صادره حضوری و ظرف مدت بیست‌روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظرخواهی در محاکم محترم تجدید نظر استان تهران می‌باشد.»

رییس شعبه ۱۰۵۷ دادگاه عمومی جزایی تهران - ویژه رسیدگی به جرائم کارکنان دولت - حیدری

رأی دادگاه تجدیدنظر استان: «در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای ب. نسبت به دادنامه ... که به موجب آن تجدید نظرخواه به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی از طریق انتشار مطالبی در سایت ... به پرداخت جزای نقدی به شرح دادنامه مارالذکر محکوم گردیده است، نظر به این که تجدید نظرخواه در این مرحله از رسیدگی دلیل خاص و جهات موجهی که موجبات نقض دادنامه تجدید نظر خواسته را فراهم نماید، ارائه ننموده و از حیث رعایت اصول و قواعد دادرسی و مبانی استدلال و استنباط و انطباق با قانون ایراد و اشکالی وارد نمی‌باشد و اتهام وارده به دلیل مسؤولیت وی در مقام مدیرمسئول سایت متوجه وی می‌باشد، فلذا ضمن رد تجدید نظرخواهی به عمل آمده مستنداً به بند «الف» از ماده ۲۵۷ از قانون آیین دادرسی کیفری دادنامه معترض عنه تأیید و استوار می‌گردد، رأی صادره قطعی است.»

رییس شعبه ۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه علوی فر - طهماسبی

اشخاص توسط کارکنان دولت از جرائم غیرقابل گذشت است. این طرز تلقی سیاست جنایی از جرائم مذکور بیانگر ارتباط بین امنیت فردی و اجتماعی است که در جهت اعمال کار ویژه‌های حاکمیت در راستای تأمین نظم اجتماعی است.»

## ۱-۴-۲- ضرورت حفظ امنیت داخلی و خارجی

موضوعات بسیاری وجود دارد که بر امنیت داخلی و خارجی یک کشور و حاکمیت آن اثرگذار است، برخی از این موضوعات در قالب جرم‌انگاری تقنینی قابل کنترل هستند و برخی دیگر نیز صرفاً با در نظر گرفتن برخی ضرورت‌ها در دادرسی کیفری و اقدامات غیرقضایی قابل کنترل هستند. نقش دستگاه قضایی کشور در اتخاذ سیاست جنایی ضرورت‌مدار در جرائم علیه حیثیت معنوی در فضای مجازی در هر دو دسته از موضوعات جرم‌انگاری شده و غیرکیفری، قابل مشاهده است.

در یکی از دادنامه‌های صادره مورخه ۱۳۹۲/۱۲/۱۶ به شماره ۱۳۳۰۵۰۲۲۰۹۹۷۰۹۱۰ در باب مسؤولیت مدیرمسئول سایت الکترونیکی اشاره شده است که مدیرمسئول سایت الکترونیکی باید تمامی مطلب منتشره در سایت را قبل از انتشار بررسی نماید و دفاع وی مبنی بر عدم سوءنیت و این که بلافاصله پس از اطلاع خبر را حذف نموده با توجه به خاصیت دیجیتال و رقمی سایت‌های الکترونیکی و انتشار آنی مطالب، مورد پذیرش دادگاه نمی‌باشد.<sup>۱</sup>

۱- رأی دادگاه بدوی: «در خصوص اتهام ... دایر به نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی از طریق انتشار مطالبی تحت عنوان «از کجا معلوم که س.ب. نباشد» در سایت ... موضوع کیفرخواست شماره ۹۱۱۰۴۲۲۶۸۷۰۰۰۱۲۷ صادره از دادسرای کارکنان دولت، دادگاه با امکان نظر در جمیع اوراق و محتویات پرونده، اعلام جرم دادستان محترم دادرسی عمومی و انقلاب تهران در مقام مدعی‌العموم بدین توضیح که: متهم در سایت مذکور مطالبی تأمل‌برانگیز تحت عنوان از کجا معلوم س. نباشد و در واکنش به اطلاع‌رسانی در خصوص خبر فوت س. مطالب کذب و خلاف واقعی را به دستگاه قضایی نسبت داده و بیانه صادره از سوی دبیر حقوق بشر قوه قضاییه مبنی بر دستور قاطع و ویژه حضرت آیت‌الله آملی لاریجانی برای بررسی دقیق و تمام ابعاد قضیه را نوعی فرافکنی تلقی نموده و در قسمت دیگر از مطالب منتشره بعضی از کارکنان تحت امر دستگاه قضایی را نیروهای خودسر معرفی و در ادامه نیز قوه قضاییه را به عدم رسیدگی به بعضی از پرونده‌های مورد اشاره نویسنده در مطلب مذکور متهم نموده است، تصویر پرینت خبر مطروحه به شرح مضبوط در پرونده دفاعیات بلاوجه و غیرمؤثر متهم، چراکه با توجه به مسؤولیت نام‌برده به عنوان

راهکاری مناسب ارائه دهد، البته از جهتی این‌گونه اقدامات را صرفاً نمی‌توان از وظایف محاکم دانست، چراکه محکمه و دستگاه قضایی عموماً در مرحله بعد از ارتکاب جرم وارد وظیفه رسیدگی و صدور حکم دارند، ولی به هر حال آنچه مشخص است این‌که نباید رویه قضایی نسبت به رسالت خود در کنترل این جرایم غافل باشد و باید همگام با سرعت و گستردگی روزافزون این جرایم پیش رود.

## ۲-۲- فراملی بودن ارتکاب جرایم

در رسیدگی به جرایم به‌صورت کلی مرزبندی‌ها و وجود موانع رسیدگی و بازرسی نیز از جمله عواملی است که مجرمان را حتی در جرایم سازمان‌یافته بین‌المللی نیز با مانع روبه‌رو ساخته است.

موانع مختلفی در جهت کشف جرم و مجرمیت ایجاد می‌شود و همچنین قانون حاکم و دادگاه صالح برای رسیدگی به عدالت کیفری را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد. از همه مهم‌تر فقدان قوانین یکپارچه بین‌المللی و تعارض قوانین کشورها به‌جهت خصوصیت فراملی بودن جرم سایبری همکاری در استرداد و معاضدت‌های قضایی در عرصه بین‌المللی را با مشکل جدی روبه‌رو می‌سازد ( Jonson, 2005: 88).

نگارنده اعتقاد دارد به‌جهت صعوبت رسیدگی و کشف جرایم سایبری و عدم راهکاری قاطع چه در عرصه بین‌المللی و چه در عرصه داخلی مقنن خواسته تا به هر نحو ممکن از زیان دیدگان سایبری حمایت کند و وضع ماده ۷۲۹ ق.م.ا نیز خود یکی از قواعد پیشگیرانه در ارتکاب جرایم سایبری محسوب می‌شود، البته باید توجه داشت که نبود کنترل در این عرصه به معنای آن نیست که هرگونه تجاوز به حقوق دیگران و نقض مقررات بی‌پاسخ خواهد ماند، بلکه می‌توان با انواع مختلفی از راهکارهای گوناگون در این زمینه به‌نوعی قانون‌گذاری کرد که سطح امنیتی این فضا به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته و مدیریت شود.

رایانه‌ای از امکانات این سیستم بهره برده و مرتکب جرم می‌شوند (عباسی کلیمانی، ۱۳۹۸: ۱۲۱).

فضای سایبری دارای ویژگی‌های خاصی است که مهم‌ترین این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: ۱- بین‌المللی بودن یا فرامرزی بودن آن؛ ۲- برخورداری از قابلیت‌های چندرسانه‌ای<sup>۱</sup> در سراسر جهان؛ ۳- دیگر مزیتی که می‌توان برای فضای سایبر برشمرد، ظرفیت بالای آن‌هاست تا حدی که ارائه خدمات ذخیره داده‌ها در نقاط دوردست<sup>۲</sup> به یکی از فعالیت‌های متداول در فضای سایبر تبدیل شده است.

در این بخش ضمن بررسی این ویژگی‌های خاص فضای مجازی، به بیان چالش‌هایی که سیاست جنایی و رویه قضایی در پاسخگویی به جرایم علیه حیثیت معنوی در این فضا دارد، اشاره می‌شود.

## ۲-۱- سرعت و گستردگی ارتکاب جرایم

سریع بودن فضای سایبر موجب شده است که نتوان با استفاده از مقررات جاری در فضای واقعی به جرایم واکنش نشان داد. این موضوع سبب شده است که بسیاری از قواعد داخلی و حتی مقررات بین‌المللی ناکام از برخورد به موقع و مناسب باشند و در نتیجه به‌گونه‌ای تعلل و تأخیر در تدوین قوانین دیده می‌شود.

لازم به ذکر است که دلیل عدم پیشرفت در مقابله با سوءاستفاده‌های فضای مجازی عدم قرابت سه مسأله مرتبط بزهکاری، یعنی مجرم، نوع جرم و مکان ارتکاب می‌باشد (جون جعفری، ۱۳۸۹: ۱۷۸).

شاید آنچه که قابلیت جبران نداشته باشد یا این قابلیت را به‌سختی دارا باشد، همان مسأله مربوط به صدمات به حیثیت معنوی باشد که در این فضای گسترده به‌سرعت مورد تهدید قرار می‌گیرد، عدم قابلیت جبران ضرر و زیان روحی و روانی این جرایم سبب شده است که مسأله پیشگیری و اتخاذ روش‌های مقابله غیرکیفری مطرح باشد که به نظر می‌رسد رویه قضایی در این زمینه نتوانسته است در این خصوص

<sup>۱</sup>- Multimedia

<sup>۲</sup>- Remote Computing Service

## ۲-۳- متغیر بودن عنصر مادی جرایم سایبری علیه حیثیت معنوی

در ارتکاب جرایم علیه حیثیت معنوی در فضای واقعی نوعی شرم و حیا در هتک حیثیت افراد بیشتر است و از سوی دیگر تلقی عده‌ای بر این است که فضای مجازی به‌مانند فضای واقعی قابلیت کنترل ندارد و نمی‌تواند قاعده‌مند باشد.

در محیط مجازی برعکس محیط واقعی و فیزیکی که فرد به‌دلیل ملاحظاتی محافظه‌کار می‌شود، افراد شهامت و آزادی بیشتری در عنوان کردن مطالب خود دارند و این به‌دلیل شرایط حاکم بر این فضا است (جلالی فراهانی، ۱۳۸۹: ۶۹). یکی دیگر از مزایا و قابلیت‌های فضای مجازی، حجم اطلاعات و فرآیند پردازش آن‌هاست. ویژگی و مزیت مهم دیگر رایانه و اینترنت، سرعت و دقت بالا در پردازش اطلاعات است. نکته دیگر آسان بودن کار با رایانه است که همین امر تأثیر استفاده روزافزون در این فضا را نشان می‌دهد (باستانی، ۱۳۸۶: ۴۰).

به عقیده یکی از نویسندگان، نیاز به نظم خاصی در فضای مجازی وجود دارد (شیرزاد، ۱۳۸۸: ۱۱). رویه قضایی باید با پویایی مبتنی بر یافته‌های جدید، نواقص قانونی را حل و فصل نماید. مسأله‌ای که به‌نظر می‌رسد به‌عنوان یک چالش برای رویه قضایی مطرح بوده و البته اقدام جدی در این ارتباط برای ایجاد یک سیاست جنایی افتراقی صورت نگرفته باشد.

## ۲-۴- ضعف گفتمان بازپذیری و پیشگیری در جرایم علیه حیثیت معنوی اشخاص در فضای مجازی

اصلاح در سیاست جنایی اسلام مفهومی گسترده‌تر از بازپذیری اجتماعی مجرم دارد و در آیه ۳۲ سوره مائده، جرم را ضلالت و گمراهی همه انسان‌ها می‌داند. این مهم نشانگر ارزشمندی اصلاح و تربیت انسان‌هاست که هدف اصلی بعثت پیامبران الهی است (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۵: ۸۶)، حتی می‌توان گفت که هدف مجازات‌های اسلامی اصلاح و بازپذیری است و نوعی تهذیب و تطهیر در آن‌ها وجود دارد تا این که ارباب و ترس. در اصلاح و بازپذیری مجرمین در سیاست جنایی قضایی ابزارهای مختلفی وجود دارد که بارزترین آن توبه است که در قوانین جزایی نیز وارد شده است.

دستگاه قضایی کشور در خصوص پیشگیری و اتخاذ سیاست اصلاح و بازپذیری مجرمین در جرایم علیه حیثیت معنوی در فضای مجازی رویه متناسب و خاصی را دنبال نکرده است و تنها می‌توان به گفتمان پذیرش عدالت ترمیمی و بعضاً معاذیر قضایی و قانونی و همچنین توبه در جرایم حدی که یکی از مهم‌ترین ابزارهای اصلاحی در سیاست جنایی اسلام است، اشاره نمود که بر این اساس دیوان عالی کشور در یکی از آرای خود اعلام نموده است که: «توبه در صورتی می‌تواند مسقط حد باشد که قبل از اثبات جرم صورت گیرد و توسط دادگاه احراز شود، بنابراین چنانچه توبه بعد از اثبات جرم و قبل از انشای حکم باشد، نمی‌تواند حد را ساقط گرداند.»<sup>۱</sup>

سیاست جنایی دستگاه قضایی کشور در بعد اجرایی مستقر نیست و نمی‌توان برای این نهاد قضایی، اختیار اجرایی قائل شد تا بتوان بر گفتمان پیشگیرانه اتخاذ تصمیم نموده و طرح‌ریزی نمود، به همین سبب قائل شدن به این نوع اصل در گفتمان سیاست جنایی دستگاه قضایی کشور در جرایم علیه حیثیت معنوی در فضای مجازی تنها می‌توان در قالب نظریه‌پردازی و استفاده از نظرات جامعه‌شناسی و متخصصان فضای سایبر بهره برد و استفاده کرد.

## ۲-۵- سرگردانی در سیاست جنایی و رویه قضایی در جرایم علیه حیثیت معنوی اشخاص در فضای مجازی

عدم وجود رویه‌ای واحد در برخورد با جرایم علیه حیثیت معنوی اشخاص در فضای مجازی، موجب تشتت آرای قضایی و همچنین اطلاع دادرسی و برآورده‌نشدن اهداف حقوق کیفری و جبران ضرر و زیان بزه‌دیدگان است.

همان‌طور که در خصوص اصول و مبانی حاکم بر سیاست جنایی قضایی ایران در جرایم علیه حیثیت معنوی در فضای مجازی عنوان شد، این‌گونه برداشت می‌شود که سیاست جنایی مشخصی در این ارتباط اصولاً وجود نداشته باشد و یا لاقلاً اگر هم رویه‌ای وجود داشته باشد، به‌طور واضح مبانی و اصول آن قابل استنباط نیست. این مطلب به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نتایج در این پژوهش به‌دست آمده است که برنامه‌ریزی علمی و پژوهش‌شده در این خصوص دیده

<sup>۱</sup> - در تاریخ: ۱۳۹۳/۰۴/۳۰ به شماره: ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۸۶۰۰۱۰۴.

مرتبط با امنیت فردی، اجتماعی و ملی است. ضرورت و مصلحت تشابه فراوان با یکدیگر دارند، ولی به نظر می‌رسد که مصلحت‌اندیشی درحقیقت اتخاذ اقدامات مقطعی در برهه‌های خاص از زمان است و این درحالی است که ضرورت به اقتضائاتی اشاره دارد که برای بلندمدت در نظر گرفته می‌شود و می‌تواند مبتنی بر ارزش‌های حاکمیت و ملت باشد. دستگاه قضایی کشور در اتخاذ سیاست جنایی خود لزوماً باید به این ضرورت‌ها توجه نماید و در سال‌های اخیر به جهت ظهور تکنولوژی‌های جدید و ابزارهای ارتباطی نوین، توجه به این اصول بیشتر شده است. رویه قضایی باید با پویایی مبتنی بر یافته‌های جدید، نواقص قانونی را اصلاح نماید. مسأله‌ای که مشخص است به عنوان یک چالش برای رویه قضایی مطرح بوده، البته اقدام جدی در این ارتباط برای ایجاد یک سیاست جنایی افتراقی صورت نگرفته باشد.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

**تعارض منافع:** تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهم نویسندگان:** نگارش مقاله به صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

**تشکر و قدردانی:** از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

### منابع و مأخذ

#### الف. منابع فارسی

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۲). *حقوق جزای عمومی*. چاپ بیستم، تهران: نشر میزان.

- آخشیجیان، حسن (۱۳۹۴). «سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با جرایم علیه امنیت ملی». پایان نامه

نمی‌شود و استدلال‌های احکام و آرای دادگاه‌ها عموماً متشکلت و بر پایه همان رویه‌های سابق قرار دارند که البته کارساز نبوده است.

سیاست جنایی به‌طور کلی در گذشته سرگردان، مبهم و ناکارآمد و فاقد برنامه‌ریزی دقیق و آینده‌نگری موجه بوده است. اگر آمار دقیقی در زمینه پدیده بزهکاری در ایران ارائه شود، دلایل روشنی بر شکست سیاست جنایی ما در سال‌های اخیر خواهد بود. علت این امر نیز مشخص است: بسیاری از قوانین در مجلس توسط کارشناسان بررسی نشده است و در عمل کارهای کارشناسی در تدوین قوانین مورد استفاده قرار نگرفته است، شتاب‌زدگی و بی‌حوصلگی در تدوین قوانین دیده می‌شود، علت‌شناسی تدوین قوانین نامشخص، هدف از مجازات نامعلوم، قلمرو اقدامات تأمینی و تربیتی مجهول و بالاتر از همه اصل قانونی بودن جرم و مجازات در مواردی دچار خدشه شده است (نوربها، ۱۳۷۸: ۱۲۸).

جرایم علیه حیثیت معنوی در فضای مجازی، روزانه در حال افزایش است و ممکن است با سرعت بیشتری ادامه یابد، سرکوب جرم در مواردی و از سوی دیگر اهمال و ترک تعقیب و مصلحت‌اندیشی در برخی موارد، منجر به افراط و تفریط در این حوزه از سوی دستگاه قضایی شده است. همان‌طور که در آرای قضایی گفته شده ملاحظه گردید، راه حل مستند و مستدلی برای این جرایم دیده نمی‌شود.

عدم واکنش کیفری متناسب، در جرایم علیه حیثیت معنوی اشخاص در فضای مجازی و عدم کنترل و مدیریت این فضا، موجب دغدغه جدی اکثر مردم علی‌الخصوص والدین، به جهت جوان و نوجوان بودن اکثر کاربران در این فضا شده است که ضرورت اتخاذ سیاست کیفری افتراقی منطبق با اهداف حقوق کیفری بر مبنای یافته‌های علمی جدید در این حوزه و همچنین نظریات جرم‌شناسی مدرن می‌تواند در جهت پیشگیری، بازدارندگی و ... مؤثر و حائز اهمیت باشد.

### نتیجه‌گیری

اصل مهم در سیاست جنایی قضایی کشور در جرایم علیه حیثیت معنوی عبارت است از: ضرورت در ابعاد مختلف آنکه

- کارشناسی ارشد. به راهنمایی استاد علی نجفی توانا، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- باستانی، برومند (۱۳۸۶). *جرائم کامپیوتری و اینترنتی جلوه‌ای نوین از بزهکاری*. چاپ دوم، تهران: نشر بهنامی.
- جلالی فراهانی، امیرحسین (۱۳۸۹). *درآمدی بر آیین دادرسی کیفری جرائم سایبری*. چاپ سوم، تهران: انتشارات خرسندی.
- جوان جعفری، عبدالرضا (۱۳۸۹). «جرائم سایبر و رویکرد افتراقی حقوق کیفری». *مجله اقتصاد پولی - مالی*، ۱۸(۳۴): ۱۷۷-۲۰۱.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۸۵). «اصلاح مجرمان در سیاست جنایی اسلام و ایران». رساله دکتری، به راهنمایی استاد محمد آشوری، تهران: دانشگاه تهران.
- دلماس مارتی، میری (۱۳۹۳). *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*. ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران: میزان.
- رزمجو، علی (۱۳۹۳). «مبانی جرم‌انگاری در فقه و حقوق موضوعه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی استاد منصور میر سعیدی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- رهامی، محسن؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسن و حیدری، علی‌مراد (۱۳۸۹). *جرائم بدون بزه‌دیده*. چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- شهرآبادی، مرجان (۱۳۹۹). «سیاست جنایی ایران درخصوص جرائم علیه حیثیت معنوی اشخاص در فضای مجازی با تأکید بر رویه قضایی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی استاد عسل عظیمیان، شاهرود: دانشگاه آزاد اسلامی.
- شیرزاد، کامران (۱۳۸۸). *جرائم رایانه‌ای از دیدگاه حقوق جزای ایران و حقوق بین‌الملل*. چاپ اول، تهران: نشر بهینه فراگیر.
- صادقی تورانسرایبی، پیمان (۱۳۹۵). «مبانی فقهی و حقوقی جرم انگاری جرائم علیه امنیت در حقوق کیفری ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی استاد عادل ساریخانی، قم: دانشگاه قم.
- عباسی کلیمانی، عاطفه (۱۳۹۸). *جرائم سایبری*. چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۳). *فقه سیاسی*. چاپ چهارم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- محمودی جانکی، فیروز (۱۳۷۶). «امنیت و ناامنی از دیدگاه سیاست جنایی (مجموعه مقالات)». تهران: همایش توسعه و امنیت عمومی، معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور.
- نوربها، رضا (۱۳۷۸). «سیاست جنایی سرگردان». *مجله تحقیقات حقوقی*، ۱۵(۲۶-۲۵): ۱۰۳-۱۲۸.
- یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۹۴). «تقابل امنیت فردی و ملی در جرائم علیه امنیت». *مجله پژوهش حقوق کیفری*، ۴(۱۴): ۵۹-۸۱.

#### ب. منابع انگلیسی

- Jareborg, N (2004). "Criminalization as Last Resort (Ultima Ratio)". *OHIO state journal of criminal law*, 2(2): 521-524.
- Jonson, Th (2005). *Forensic Computer Crime Investigation*. 1<sup>st</sup> ed., Boca Raton: eBook Published.